

---

## جنبش اشغال وال استریت؛ کوششی برای اصلاحات یا انقلاب؟

---

زهرا احمدی پور\*

یونس رشیدی\*\*

### دیباچه

در حالی که در سال ۲۰۱۱ میلادی موج حرکت‌های اعتراضی یکی پس از دیگری حکومت‌های دیکتاتوری را در خاورمیانه و شمال آفریقا در می‌نوردید آنچه برای بسیاری از ناظران و مشاهده‌کنندگان جهانی شگفت‌انگیز به نظر می‌آمد شکل‌گیری

---

\* دکتر زهرا احمدی پور، دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس است.  
(Ahmadyz@modares.ac.ir)

\*\* یونس رشیدی، دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس است.  
(Y. Rashidi@modares.ac.ir)

این مقاله حاصل بخشی از تحقیقات پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی یونس رشیدی در دانشگاه تربیت مدرس زیرعنوان بزرگتر «تأثیر فضای مجازی بر شکل‌گیری حرکت‌های اعتراضی - مطالعه موردی مصر» به راهنمایی دکتر پیروز مجتهدزاده و مشاوره دکتر زهرا احمدی پور در آن دانشگاه است.

پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۰

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال دهم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۲، صص ۲۱۳-۱۹۱.

اعتراض در کشورهایی بود که به شیوه دموکراتیک اداره می‌گردیدند و نظام سرمایه‌داری بر آنها حاکم می‌باشد.

مطالعه و بررسی جنبش‌های اجتماعی در جوامع مختلف نیازمند جست‌وجوی زمینه‌های شکل‌گیری، تداوم و اهداف این جنبش‌ها می‌باشد. جنبش اجتماعی را می‌توان کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک، یا تامین هدفی مشترک، از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی تعریف کرد (گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۷۹). اعتراض‌های اخیر در خاورمیانه و شمال آفریقا به علت آنکه بیش از هر چیز نظام‌های حاکم بر این کشورها را به چالش کشیده بودند باعث آن شد که توجه جهانیان بیشتر به علل سیاسی که در خیزش مردمی در این کشورها تاثیر داشت معطوف گردیده و سایر عوامل دخیل در وقوع این رویدادها مورد توجه کافی قرار نگیرد. همین نکته باعث شد که همه اعتراض‌های معاصر از دید برخی ماهیت سیاسی پیدا نماید و بالتبع به این باور برسند که سایر حرکت‌های اعتراضی که آمریکا و اروپا پس از رویدادهای خاورمیانه به وقوع پیوستند بازتاب عوامل و شرایط سیاسی می‌باشند که بر جامعه حاکم هستند.

از بدو پیدایش اقتصاد بازار آزاد و نظام سرمایه‌داری همواره انتقاداتی به ماهیت وجودی این نظام و کارکردهای آن وجود داشته است. در چند دهه گذشته حرکت‌های اعتراضی که از سوی مارتین لوتر کینگ، مالکوم ایکس، لوییز فراخوان و... هدایت شده‌اند از نمونه‌های شناخته شده می‌باشند. البته این گونه نیست که انتقادات به نظام سرمایه‌داری حاکم بر آمریکا همواره از سوی کسانی باشد که در جست‌وجوی فراهم آوردن شرایطی بهتر و برابر برای زندگی انسان‌ها هستند، در سال‌های اخیر جنبش اعتراضی نومحافظه‌کاران در آمریکا که خواستار اعمال قوانین بازار آزاد سخت‌گیرانه‌تر و کاهش سیاست‌های حمایتی هستند روی دیگر سکه اعتراض در جامعه آمریکایی را به نمایش گذاشته است. به بیان دیگر می‌توان گفت نظام سرمایه‌داری در آمریکا با اعتراض عجین گردیده است و انتقاد از آن بخشی تفکیک ناپذیر است که به وسیله آن این نظام به بازساخت خویش می‌پردازد و سعی می‌نماید که خود را با مقتضیات و شرایط عمومی جامعه و جهان هماهنگ سازد.

در تلاش برای درک ماهیت و شرایطی که منجر به شکل‌گیری جنبش اشغال وال استریت در آمریکا گردید لازم است که به صورت مبسوط به زمینه‌های شکل‌گیری،

طبقات اجتماعی که در این اعتراض‌ها مشارکت داشتند، سازماندهی اعتراض‌ها و همچنین اهداف آن پرداخت و در پی پاسخ‌گویی به این پرسش بود که اعتراض‌کنندگان از چه انگیزه‌ای برخوردار بودند و چه اهدافی را برای آینده جنبش خویش در نظر گرفته‌اند. دیگر آنکه آیا ساختار و ماهیت جنبش اشغال وال استریت را می‌توان در گروه جنبش‌هایی قرار داد که در جست‌وجوی انقلاب هستند و یا اینکه این جنبش یک حرکت اعتراضی است که در پی اصلاح شرایط حاکم بر جامعه امریکا می‌باشد و تنها خویش را عضوی از نظام سرمایه‌داری می‌داند که در چهارچوب آن و با توسل به قوانین حمایتی که همین نظام برای منتقدان در نظر گرفته است به ابراز اعتراض می‌پردازند.

### مبانی نظری تحقیق

پس از جنگ جهانی دوم کشورهای دو کشورهایی که خود را در برابر شوروی و اقمار آن جهان آزاد می‌نامیدند همواره بر این امر اصرار داشته‌اند که ارزش‌های آنان ارزشی جهان شمول است و در قلمرو حاکمیت آنان مردم از سطوح بالایی از آزادی، رضایت‌مندی و رفاه برخوردار هستند. اما پس مدتی با شکل‌گیری جنبش‌های سیاهان امریکا که بر علیه نژادپرستی به پا خواستند و پس از آن جنبش دانشجویی در فرانسه و... نقدهایی جدی به نظام سیاسی و اقتصادی که در اروپای غربی و امریکای شمالی حاکم بود وارد شد. این تحقیق سعی خود را بر آن داشته است تا از دیدگاه جغرافیای سیاسی به بررسی اعتراض‌ها در امریکا بپردازد. تداوم این اعتراض‌ها که هر از چندگاهی در امریکا روی می‌دهد موجب شده است که ناظرینی که از خارج بر اقتصاد و سیاست امریکا نظارت دارند دیدگاه‌های متفاوتی را مطرح نمایند. از سویی برخی بر این باور هستند که این اعتراض‌ها مبین این نکته است که عدالت از جنبه‌های مختلفی نظیر اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی و... در امریکا مهجور مانده است و ناگزیر مردم روزی در این کشور بر علیه نظام سیاسی-اقتصادی حاکم به پا خواهند خواست. در مقابل گروهی دیگر بر این باورند که وقوع این اعتراض‌ها و نوع برخورد حاکمیت در این کشور نشان‌دهنده این است که در امریکا اعتراض به امری نهادینه شده تبدیل گردیده است و آن را باید به عنوان بخشی از ساختار سیاسی حاکم بر این کشور قلمداد نمود.

همزمانی شکل‌گیری جنبش اشغال وال استریت با وقوع اعتراض‌های دوسال اخیر در کشورهای عرب خاورمیانه برخی را بدان باور رسانیده است که این جنبش نیز در تداوم مسیری قرار دارد که آن کشورها در حال طی آن می‌باشند و غایت نهایی جنبش اشغال وال استریت تغییر نظام حاکم بر آن کشور است. این در حالی است که در غالب موارد، حکومت‌هایی که با خطر سقوط مواجه می‌باشند به مقاومت در برابر خواست عمومی مردم خویش می‌پردازند و در مواردی با توسل به خشونت سعی می‌کنند موج اعتراض‌ها را کنترل نمایند. چنانکه در کشورهای تونس، مصر، لیبی و سوریه بخشی از مردم که برای اعتراض به پا خواسته بودند با خشونت حکومت مواجه شدند.

### روش تحقیق

این تحقیق برای دست‌یابی به داده‌ها و اطلاعات در خصوص جنبش اشغال وال استریت متکی به مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد. در این خصوص علاوه بر آن‌که بهره‌گیری از مفاهیم نظری سایر محققان در توصیف و ترسیم ویژگی‌های جنبش اشغال وال استریت از اهمیت برخوردار است سعی می‌گردد که با استفاده از اطلاعات معتبری که در مورد این حرکت اعتراضی منتشر شده است و همچنین تحلیل‌های ناظران و محققان به بررسی اهداف اصلی این جنبش پرداخته شود.

### تعاریف و اصطلاحات مورد استفاده در پژوهش

شیوه‌های متعددی برای طبقه‌بندی جنبش‌های اجتماعی پیشنهاد گردیده‌اند. شاید دقیق‌ترین و جامع‌ترین طبقه‌بندی، طبقه‌بندی دیوید آبرل باشد که چهارنوع جنبش را مشخص می‌کند:

۱. جنبش‌های دگرگون‌ساز [انقلابی] هدفشان دگرونی فراگیر در جامعه یا جوامعی است که خود بخشی از آن هستند.
۲. جنبش‌های اصلاح‌طلب هدف‌هایی محدودتر دارند و می‌خواهند تنها برخی جنبه‌های نظم اجتماعی موجود را تغییر دهند.
۳. جنبش‌های رستگاری بخش درصدد نجات افراد از آن شیوه‌های زندگی هستند که فاسد کننده پنداشته می‌شود.

۴. سرانجام گروه‌هایی که عنوان تا اندازه‌ای نامتناسب جنبش‌های تغییردهنده به آنها داده شده، و هدفشان ایجاد تغییر جزئی در افراد است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۶۸۰).  
با توجه به موضوع این پژوهش که در پی پاسخ‌گویی به ماهیت و هویت جنبش اشغال وال استریت می‌باشد دو اصطلاح در این تحقیق از اهمیت بسزایی برخوردار می‌گردد: ۱. انقلاب ۲. اصلاحات. در فرهنگ لغات آکسفورد اشاره شده است که انقلاب (Revolution) یک کوشش به وسیله تعداد زیادی از مردم برای تغییر دولت یک کشور، به‌خصوص به وسیله رفتار خشن است (Oxford, 2002: 1096). انقلاب تغییر بنیادی (از ریشه کلمه لاتین *revolution* به معنای یک چرخش دایره‌ای) در قدرت یا ساختارهای نهادی می‌باشد که در یک دوره نسبتاً کوتاه به وقوع می‌پیوندد. ارسطو دوگونه از انقلاب را تشریح نموده است:

۱. تغییر کامل از یک وضعیت به وضعیت دیگر

۲. اصلاح وضعیت موجود.

مطالعات اولیه انقلاب‌ها در ابتدا رویدادهای تاریخ اروپا را از دیدگاه روانشناسی تحلیل می‌نمودند، اما تجربه‌های معاصر شامل رویدادهای جهانی و دیدگاه‌های مختلف از علوم اجتماعی همچون جامعه‌شناسی و علم سیاست می‌گردد (en. wikipedia, 2012). در مقابل اصلاحات به معنای کاربرد تغییر برای بهبود شکل یا شرایط؛ به منظور اصلاح یا بهبود مستمر به وسیله تغییررنگ، حذف اشتباه‌ها و یا ناکارآمدی، تحول بهره‌برداری، به‌خصوص رجوع به وضعیت اصلی برای مرمت، بازگشت به حالت اول و اصلاح می‌باشد (en. wikipedia, 2012). به طور کلی می‌توان بیان نمود که در ادبیات سیاسی اصلاحات (Reform) به معنای بهبود یک سیستم، سازمان، قانون و... به وسیله اعمال تغییرهایی در آن می‌باشد (Oxford, 2001: 1067). اصلاح عموماً از انقلاب متمایز می‌گردد. معنای انقلاب تغییر اساسی یا رادیکالی می‌باشد، درحالی‌که اصلاحات شاید پیش از تنظیم دقیق یا در نهادیت اصلاح خطاهای جدی بدون تغییرهای بنیادی در نظام نباشد. هدف اصلاح بهبود نظام در حالتی که قرار دارد می‌باشد، نه براندازی کل آن (en. wikipedia, 2012). درحالی‌که وقوع انقلاب در کشور متضمن بروز رفتارهای سریع و بنیادگرایانه برای ایجاد تغییر در یک ساختار سیاسی می‌باشد. و این تغییر سریع در مواردی می‌تواند همراه با نمایش گذارده شدن خشونت در رفتار جمعی و ایجاد

شورش باشد. شورش (Riot) شرایطی است که یک گروه از مردم به روش خشونت‌آمیز در یک مکان عمومی رفتار می‌کنند، که گاهی به عنوان اعتراض نیز ظاهر می‌گردد (Oxford, 2002: 1103).

### یافته‌های تحقیق

آنچه که در خاورمیانه به وقوع پیوست و آنچه در اعتراض‌های کشورهای آمریکا و پس از آن در اروپا رویداد از دو نقطه نظر قابل بررسی و تحلیل می‌باشند:

الف- زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری اعتراض‌ها

ب- منبع ایجاد نارضایتی در مردم

کشورهای خاورمیانه و کشورهای دموکراتیک غرب اروپا و امریکای شمالی تفاوت‌های عمده‌ای با یکدیگر دارند. در خاورمیانه و شمال آفریقا برای سالیان متمادی حکومت‌هایی بر سر کار بودند که به وسیله نظام‌های سیاسی خودکامه اداره می‌گردیدند، درحالی‌که بر خلاف این کشورها در کشورهای غرب اروپا و امریکای شمالی سالهاست که جامعه به سطوحی قابل قبول از دموکراسی رسیده است و میزان مشارکت مردم در این کشورها بسط داده شده است. تفاوت دوم کشورهای غرب اروپا و خاورمیانه در نظام‌های صنفی می‌باشد که در این کشورها وجود دارد. بدین معنا که هر گروه اجتماعی و اقتصادی در این کشورها برای پیگیری امور خویش از یک نظام اداری که در چهارچوب قوانین پیش‌بینی گردیده است استفاده می‌نماید و برای پیگیری امور و نظرات خویش از قوانین جاری بهره‌برداری مناسبی به عمل می‌آورند. به صورتی که قانون به عنوان یک پشتیبان برای نظام‌های صنفی در این جوامع عمل می‌نماید. بر خلاف کشورهای توسعه یافته در کشورهای در حال توسعه و به‌خصوص در خاورمیانه گروه‌های اجتماعی برای فعالیت اجتماعی و تشکیل انجمن‌های غیر دولتی، صنفی و... از آزادی عمل گسترده‌ای برخوردار نمی‌باشند.

درکشوری همچون آمریکا که از سالها پیش ایجاد و گسترش سازمان‌های اجتماعی غیر دولتی، نهادهای صنفی و حتی اتاق‌های فکر و سازمان‌های سیاسی غیر دولتی به رسمیت شناخته شده است مردم همواره قادر بوده‌اند که با آزادی به فعالیت در امور بی‌پردازند که مورد توجه آن‌هاست. البته این آزادی عمل در کشور آمریکا برای

شکل‌گیری فعالیت‌های گروهی امری نیست که نتایج آن از سوی اکثریت جامعه مورد قبول باشد. اکثر امریکایی‌ها نه وقت دارند، نه علاقه، و نه تمایلی دارند که امور روزانه‌ی کنگره را تحت نظر قرار دهند. اما لابی‌ها و فعالان این‌ها را دارند و می‌توانند از اطلاعات و امکان دسترسی بهره‌گیرند تا اطمینان حاصل کنند که گروه‌هایی که نمایندگی‌شان بر عهده آنها است در بودجه فدرال و قوانین حکومتی به اندازه کافی مورد توجه قرار می‌گیرند (ذکریا، ۱۳۸۴: ۲۰۲). بنا به تحلیل پل کروگمن، اقتصاددان امریکایی «رهبران سیاسی، خواه نا خواه، تقریباً در بست خادم منافع ثروتمندان هستند، یعنی کسانی که عایدی سرشاری از ثروت خویش به‌چنگ زده و در گذشته مبالغی هنگفت وبی حساب و کتاب قرض داده بودند، و اکنون همه مردم باید تاوان حمایت از آنان و جلوگیری از ضرر و زیانشان را بپردازند.» به نظر کروگمن، الویت منافع این سرمایه‌داران وقتی دو چندان رخ می‌نمایند که «مبالغی هنگفت خرج‌مبارزات انتخاباتی کرده، با دولتمردان نشست و برخاست می‌کنند و به محض کناره‌گیری آنان از مناصب دولتی، نزد خود به کارشان خواهند گرفت (حلیمی، ۲۰۱۱). لیبرال دموکرات‌های غرب برآند تا رژیم لیبرال دموکراسی را با جمهوری ارسطویی برابر دانسته و یا به عنوان بهترین رژیم‌های ممکن تعریف نمایند. همانطور که جمهوری ارسطویی بر تمایزات طبقاتی و همبستگی‌های ارگانیک مبتنی بود، در اینجا هم رژیم لیبرال دموکراسی؛ تمایزات مختلفی را در بین شهروندان به رسمیت شناخته و به آنها مشروعیت می‌بخشد (دبلیو. پای، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

در چند دهه اخیر قدرت‌یابی روزافزون شرکت‌های بزرگ و گروه‌های سیاسی که به لابی‌گری می‌پردازند موجب بروز نارضایتی در میان بخش قابل توجهی از جامعه امریکایی شده‌است. این نارضایتی‌ها در دهه‌های گذشته موجب آن شده است که گروه‌هایی از جامعه امریکا به ابراز مخالفت با اندیشه سیاسی و اقتصادی حاکم بپردازند و گروه‌های پر قدرت سیاسی و اقتصادی را به چالش بکشند. آن‌ها به نقشی که سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ اقتصادی در کنترل امور اقتصادی دارند معترض هستند و بر این عقیده هستند که یکسان شمردن منافع شرکت‌ها و موسسات اقتصادی با منافع مردم می‌تواند به کیفیت زندگی آنان آسیب وارد نماید. چراکه معتقد می‌باشند این شرکت‌ها در کنار ثروتمندان مالیات کمتری را پرداخت می‌نمایند در حالی که بار اصلی

مالیات‌ها رابطقات متوسط و فقیر جامعه به دوش می‌کشند.

اعتراض‌هایی که در امریکا و پس از آن در کشورهای غربی به وقوع پیوست را نمی‌توان تنها یک اعتراضی سیاسی دانست و هدف آن را تنها متوجه حاکمیت نمود. چرا که در این کشور به علت امکاناتی که قانون در اختیار شهروندان و کشور قرار داده است مسیر برای اصلاح قوانین و توجه بیشتر به حقوق شهروندان فراهم آمده است. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که حرکت‌های اعتراضی در این جوامع بر علیه حاکمیت به رادیکالیسم بیانجامد، چنانکه بررسی فعالیت افراد فعال در جنبش اشغال وال استریت نشان می‌دهد آنها در چهارچوب نظام سرمایه‌داری به نقد حاکمیت، افراد حاضر در راس حکومت، و ابراز خواسته‌هایی که برای آنها تلاش می‌نمایند می‌پردازند. در جنبشی که از امکاناتی که قانون حاکم بر جامعه فراهم می‌نماید استفاده می‌نماید، برای بیان نظرات خویش به قوانینی استناد می‌کند که در همین جامعه جاری است و تحت حمایت نهادهای عمومی حاکم بر جامعه به اعتراض می‌پردازد و قانون از آنها در برابر تعرض مامورین دولتی و کسانی که مورد نقد قرار گرفته‌اند حمایت می‌نماید نمی‌توان انتظار داشت که بر علیه ساختارها به انقلاب دست بزنند. چراکه همین ساختارها هستند که زمینه را برای ابراز انتقاد مردم نسبت به حاکمیت فراهم آورده‌اند و فعالیت معترضین مورد تعرض قرار نمی‌گیرد.

در اعتراض‌هایی که در سال ۲۰۱۰ در فرانسه به وقوع پیوست و کمربند حاشیه‌ای شهر پاریس را به میدانی برای مبارزه با حکومت فرانسه تبدیل نمود چرا هیچ‌گونه اثری از تلاش برای انقلاب در جامعه را نمی‌توان یافت؟ آیا مردم در این کشور به حاکمیت حساسیت ندارند؟ در کشوری که هر ساله صدها اعتراض و تظاهرات خیابانی روی می‌دهد چرا انقلاب نتیجه اعتراض‌ها نبود؟

پاسخ به این پرسش‌ها را می‌توان در اندیشه‌های رایج در این جوامع جست‌وجو نمود. فلسفه سیاسی لیبرال درباره حق مقاومت این پیش فرض را دارد که نظر و اراده حاکم خواست اکثریت است. مطابق تئوری لاک یک مسئله مورد اتفاق نظر همگان اینست که تصمیم اکثریت می‌باید برای همه مقید کننده باشد، و بنابراین تصمیم بر ابقا یا انحلال یک دولت بر نظر تاییدی اکثریت جمعیت مبتنی باشد. نافرمانی اجتماعی، در نقطه مقابل، رساننده این معناست که یک گروه اقلیت از اتباع این حق را دارند که به

جای نظر مورد تایید اکثریت از دستور وجدان خود پیروی کنند (لودتکه، ۱۳۸۵: ۵۵۶). چنانکه در کشور فرانسه برای جلوگیری از شکل‌گیری استبداد و دیکتاتوری در جامعه در قانون اساسی پیش‌بینی گردیده است که مردم حق اعتراض به حاکمیت رادارند. در کشوری که حق مردم به رسمیت شناخته شده است و مردم اجازه استفاده از حقوق قانونی خویش را دارند این ساختارهای حکومتی نیستند که به عاملی برای چالش شهروندان و حاکمیت تبدیل می‌گردند. بلکه آنچه موجب چالش و اعتراض می‌گردد کارکردها هستند، هنگامی که ساختارها در خدمت مردم باشند و قوام دهنده دموکراسی در سطح جوامع باشند مردم این اجازه را خواهند یافت که نقد ساختار و کارکردها بپردازند. نمی‌توان انتظار داشت که همه ساختارهای سیاسی و اجتماعی به نحو کاملاً مطلوب عمل نمایند اما وقتی همین ساختارها در تعامل مستقیم با شهروندان باشند انتظارات بخش بیشتری از مردم را می‌توانند تامین بنمایند. درعین حال ممکن است بخشی از این ساختارها در عملکرد و کارکرد خویش نتوانند به تامین حقوقی که در قانون برای شهروندان پیش‌بینی گردیده است بپردازند و یا اینکه حتی بخشی از قانون به تشخیص گروهی از جامعه فاقد کارکرد مناسب شناخته شود.

برخلاف آنچه که جنبش اشغال وال استریت را الهام گرفته از حرکت‌های اعتراضی خاورمیانه می‌داند یافته‌های این تحقیق حکایت از آن دارد که معترضان فعال در این جنبش از مدت‌ها قبل در جست‌وجوی ایجاد تغییراتی در نظام سرمایه‌داری بوده‌اند و اعتراض‌های به وقوع پیوسته در خاورمیانه برای آنان فقط نقش مشوق را به عهده داشته است. چنانکه در یکی از وب سایت‌های اصلی این جنبش اشاره شده است که: این جنبش به وسیله خیزش‌های مردمی صورت گرفته در مصر و تونس تشویق گردید و اهداف آن برعلیه یک درصد ثروتمند جامعه است که قوانین ناعادلانه اقتصاد جهانی را می‌نویسند که آینده را برای ما محدود می‌نماید (occupywallst,2011). تا پیش از اعتراض‌های سال ۲۰۱۱ میلادی در امریکا و اروپا معترضان چند بار موفق شده بودند که به صورت گسترده نظرات اعتراضی خویش را به صورت علنی اعلام نمایند. اوج این اعتراض‌ها در سال ۱۹۹۹ میلادی بود که در اجلاس سازمان تجارت جهانی در شهر سیاتل ایالت واشنگتن در شمال غرب امریکا آنان توانستند این اجلاس را تعطیل نمایند. در مقایسه با شرایط فعلی اقتصاد جهانی نائومی کلاین نظر خویش را در مورد

آنچه در سیاتل گذشت و به نبرد سیاتل مشهور گردید توضیح می‌دهد که: در سال ۱۹۹۹ زمانی که ما می‌خواستیم سرانکاپیتالیزم را پائین بکشیم، کاپیتالیزم در حال رونق سریع بود. بیکاری پائین بود. بورس با بالاترین درجه به پیش می‌تاخت. مطبوعات به وسیله پول مفت سر مست شده بودند. زمان بحث، بحث ایجاد کارخانه‌های جدید بود و نه متوقف نمودن آنها (Klein, 2011). پس از سال ۱۹۹۹ مخالفان اقتصاد جهانی و سیاست خارجی فرا آتلانتیکی آمریکا بارها تلاش نمودند که نظام سرمایه‌داری را به انجام اصلاحات گسترده در اقتصاد و سیاست خویش بپردازد.

با وقوع بحران در اقتصاد جهانی در سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ میلادی بسیاری به این باور رسیدند که بسیاری از ساختارهای حاکم بر اقتصاد و سیاست جهان نیاز به تغییر اساسی دارد. بورژوازی سوداگر، در کنش جهانی ندامت باری در آن هنگام قسم می‌خورد که «دیگر هیچ‌چیزی مانند قبل نخواهد شد». «فرانسوا فیون»، نخست وزیر فرانسه وضعیت را به «جهانیدر آستانه در غلتیدن به ورطه هلاک» توصیف می‌کرد؛ پشت جلد مجله «نیوزویک» تقریباً دهشت زده اعلام می‌داشت، «اکنون ما همگی سوسیالیست هستیم»؛ مجله «تایم» «بهبازاندیشی در اندیشه‌های مارکس» فرا می‌خواند تا «علاجی برای نجات نظام سرمایه‌داری بازجست»، مفری (نیک) که به مذاق روزنامه «واشنگتن پست» چندان خوش نمی‌آمد که در سرمقاله‌ای با لحنی بیشتر شوم تا سرخوش می‌پرسید: «آیا کاپیتالیزم مرده است؟» (Ibrahim Warde, 2011). اما این تغییر که مورد نظر آنان است را نمی‌توان به عنوان یک انقلاب قلمداد نمود، چرا که از سوی آنان هیچ‌گونه بدیلی که بتواند جای دموکراسی حاکم بر کشورهای آنان بگردد وجود ندارد.

معترضان تنها یک مجموعه از تقاضاها را مطرح نکردند بلکه یک مجموعه جدید از شیوه ابراز درخواست‌ها را ایجاد کردند. آن گونه تجربه اجتماعی نیاز به دگرگونی وضعیت برای پیدا کردن هدف جهت اعمال نفوذ بر روی ساختار فعلی قدرت دارد (Selinger and Seager, 2011). دگرگونی اجتماعی و فرهنگی به طور عمده بر دو نوع است: گاه به صورت افزوده شدن عناصر تازه به نظام موجود است، و گاه به صورت

۱. به ترتیب در مجله‌های نیویورک، ۱۶ فوریه ۲۰۰۹، تایم، نیویورک، ۲ فوریه ۲۰۰۹؛ و شماره ۲۷ اکتبر ۲۰۰۸ هفته‌نامه The Washington Post National Weekly Edition.

ترکیب تازه‌ای از عناصر موجود (نولان و لنسکی، ۱۳۸۶: ۹۰). بر این اساس سازماندهی و کنشی که از سوی معترضان انتخاب شد بر اساس ساختار هرمی رایج در معادلات سیاسی جاری بر ایالات متحده نبود. در ساختاری که برای اعمال نفوذ بر سیاست حاکم امریکا از سوی لابی‌ها پیگیری می‌گردد همه به مرکز پیگیری و هدایت وابسته هستند و برنامه‌ها از سوی آنان تعیین می‌گردد. درحالی‌که در جنبش اشغال وال استریت هر یک از هسته‌های این جنبش در ایالات مختلف ضمن آنکه به پیگیری اهداف کلی می‌پردازند یک سلسله از برنامه‌ها را نیز در سطح ایالتی پیگیری می‌نمایند که حتی ممکن است واجد تفاوت‌هایی با برنامه‌های معترضان در سایر ایالات‌ها باشد.

این رویداد به وسیله معترضانی با سنین مختلف و بر علیه طمع شرکت‌ها، نابرابری اجتماعی تغییر آب و هوای جهانی و... طراحی گردید (Dobnik, 2011). به صورت کلی اهدافی که از سوی این جنبش پیگیری می‌گردد را در طبقه‌بندی زیر می‌توان جای داد (Occupythegame, 2011):

۱. پایان بخشیدن به نقش فدرال رزرو در اقتصاد امریکا
۲. اعمال کاهش / حذف نفوذ شرکت‌ها در سیاست
۳. اصلاح ساختار مالیاتی
۴. ایجاد اشتغال
۵. اعمال سیاست‌ها ارتقاء سلامت و مراقبت‌های پزشکی
۶. اعمال سیاست‌های مناسب در حوزه انرژی و محیط‌زیست
۷. پیگیری سیاست ضد جنگ
۸. اصلاح نظام آموزشی
۹. تغییر در اقتصاد سیاسی حاکم بر امریکا

در این طبقه‌بندی که بدان اشاره شد مجموعه‌ای گسترده از درخواست‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از سوی معترضان بیان گردیده است که سرفصل‌های درخواست‌ها ذکر گردیده است. پس از چند ماه از اعتراض‌ها معترضان جنبش دیگری را نیز به نام ما ۹۹ درصد هستیم به صورت موازی اداره می‌کنند. آنچه فعالان جنبش ما ۹۹ درصد هستیم پیگیری می‌نمایند کماکان در تداوم مسیری است که جنبش اشغال وال استریت دنبال می‌نماید و در آن فصول بیست گانه‌ای برای اهداف پیش‌بینی گردیده

است. بطور خلاصه آنچه در برنامه‌های این جنبش مطرح شده است را به صورت کلی در چهارچوب زیر می‌توان جای داد (nycga.net, 2011 و the99declaration):

۱. اصلاح نظام آموزشی، بخشش بدهی دانشجویان (میزان این بدهی به بیش از ۱ تریلیون دلار بالغ می‌گردد) و گسترش سطح اشتغال به کل امریکا
۲. اصلاح نقش بانک‌ها در اقتصاد امریکا، کاهش بدهی‌های مردم و نهادهای عمومی و کاهش نقش شرکت‌ها در سیاست
۳. اصلاح نظام سیاسی و حذف شیوه انتخابات الکترال
۴. خروج امریکا از عراق و افغانستان و پیگیری سیاست ضد جنگ
۵. رسیدگی به وضعیت بهداشتی و اجتماعی خانواده‌های امریکایی
۶. اصلاح سیاست‌ها در حوزه انرژی، حفظ محیط زیست و گسترش استفاده از انرژی‌های پاک.

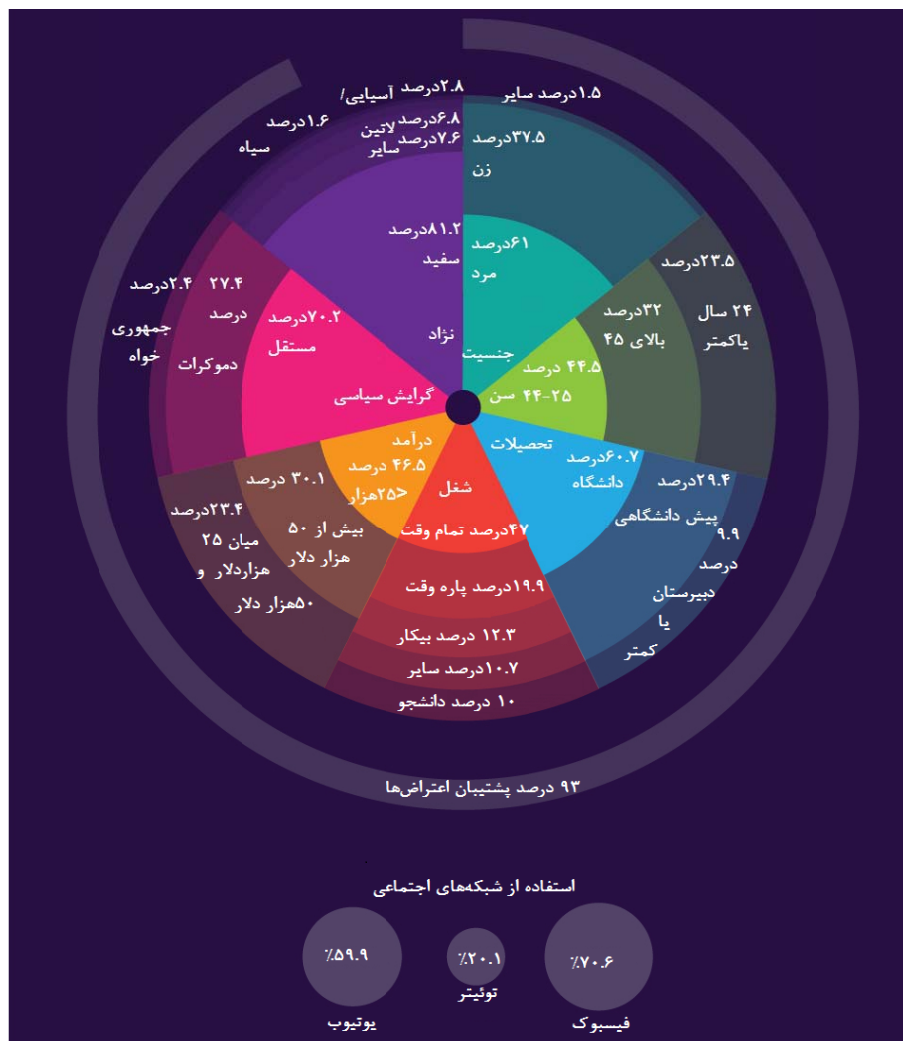
بررسی و تجزیه و تحلیل برنامه‌ها و اهدافی که از سوی جنبش اشغال وال استریت و همچنین جنبش ما ۹۹ درصد هستیم حاکی از آن است که دستیابی به این اهداف نیازمند تغییر در کارکردها سازمان‌ها و نهادهای سیاسی و اقتصادی، تغییر در قوانین و شیوه انتخابات کنگره و ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا و نیز برخی تغییرها در ساختار نظام اقتصادی و سیاسی می‌باشد. روشی که معترضان برای دستیابی به اهداف خویش برگزیده‌اند در سطح پیگیری می‌گردد: الف- اعمال فشار بر نهادهای سیاسی و اقتصادی امریکا به وسیله برانگیزش افکار عمومی، ب- پیگیری اهداف با استفاده از وضع قوانین جدید در حوزه اقتصاد، سیاست، اجتماع و...

مهم‌ترین وجه افکار عمومی، جذر و مد آزاد گفت‌وگوست که پیشرفت طبقه متوسط دموکراتیک، با آن آغاز می‌شود. قاعده بر این است که نهادهای دموکراتیک، امکان پاسخ‌گویی، سازماندهی ارگان‌های مستقل افکار عمومی و تحقق افکار در عمل را پدید آورند. عقاید حاصل از بحث و گفت‌وگوی عمومی را می‌توان پیامد عزم و تصمیمی دانست که به نوبه خود، حاصل کنش و اقدام جامعه است (میلز، ۱۳۸۳: ۳۹۱). در جریان چند ماهی که از آغاز جنبش اشغال وال استریت می‌گذرد معترضان توانسته‌اند توجه رسانه‌های جهانی، سیاست‌مداران و... را به خواسته‌های خویش معطوف نمایند. کسب توجه افکار عمومی توانسته است بخشی از خواسته‌های فعالان

این جنبش را در مرحله اول فراهم نماید هرچند نقدها و مخالفت‌های جدی نیز در جریان گفت‌وگوها و بحث‌هایی که در جامعه امریکا و سطح رسانه‌های جهانی بر علیه این جنبش و اهداف و برنامه آنها مطرح گردیده است.

اما در بخش اصلاحات سیاسی و اقتصادی و وضع قوانین جدید در جامعه امریکا فعالان جنبش وال استریت در خصوص عملیاتی کردن خواسته‌های خویش چندان موفق عمل نکرده‌اند و نتوانسته‌اند سازوکار مشخصی را برای دست یابی به این اهداف تعریف نمایند. از سویی آنان بر ناکارآمدی ساختارها و کارکردهای نظام سیاسی و اقتصادی امریکا تأکید می‌کنند و از سویی دیگر خواهان آن هستند که کنگره و دولت امریکا به خواسته‌های آنان توجه نمایند. به نظر می‌رسد که این تناقض که هم در سطح شعارهای جنبش و هم در سطح عملکرد آن نمایان است از آنجا ناشی می‌گردد که از نظر فکر و اندیشه سیاسی یکدستی چندانی در این جنبش به چشم نمی‌خورد. که البته این عدم یکدستی را نیز می‌توان نتیجه تفاوت در دیدگاه‌ها دانست. همین مسئله باعث آن شده است که انتقادات بسیاری از سوی مردم امریکا و متخصصان اقتصاد و سیاست در جامعه امریکا متوجه آنان بگردد. چنانکه که اوان سلینگر و توماس سیگر ابراز می‌دارند که اهداف مد نظر جنبش اشغال وال استریت برای جامعه امریکا قابل درک نیست. آنان اضافه می‌کنند که: چالش‌های برای بسط ارزش‌ها در جنبش اشغال وال استریت وجود دارد. به عنوان مثال مردم می‌گویند کاندیدای مورد نظر خویش را معرفی کنید، اما معترضان پاسخ می‌دهند که نظام از هم پاشیده است. آنان می‌گویند که کمک کنید که نظام یکپارچگی بیابد اما معترضان جنبش وال استریت شانه خالی می‌کنند زیرا نگرانی‌های آنان تنها سازماندهی نیروی انسانی نیست (Selinger and Seager, 2011).

شکل ۱- اینفوگرافیک فعالان جنبش وال استریت



منبع: (Captain,2011)

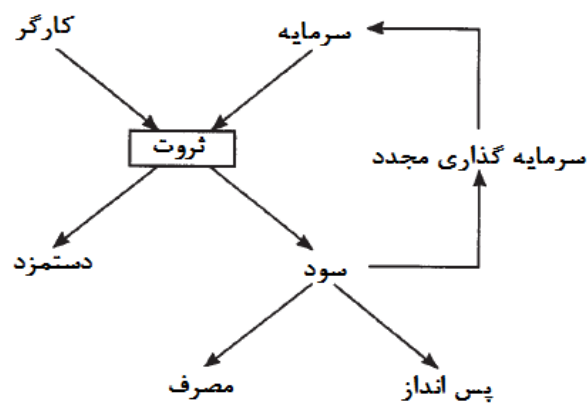
در این جنبش طیف‌های گسترده‌ای از جمعیت امریکا حضور دارند. اما از نظر سیاسی بر اساس تحقیقاتی که بنیاد فست فاکتوری به انجام رسانیده است حدود ۴.۲۷ درصد دموکرات و تنها ۴.۲ درصد جمهوری خواه می‌باشند و بقیه گرایش سیاسی به هیچ یک از دو حزب عمده کشور ندارند (Captain,2011). این امر از نظر سیاسی بیانگر آن است

که این جنبش از نظر سیاسی واجد وزن سیاسی بالایی در جامعه امریکایی نیست و همین مسئله باعث شده است که برخی فعالان این جنبش را متهم نمایند که پیگیر سیاست‌های حزب دموکرات در جامعه امریکا هستند. از نظر جنسیت ۶۱ درصد مرد، ۳۷ درصد زن و ۱ درصد نیز دوجنستی‌ها می‌باشند. که البته با توجه به اینکه در اکثر جنبش‌های اعتراضی جهان مشارکت مردان بیش از زنان و دوجنستی‌ها می‌باشد این الگو چندان عجیب نمی‌باشد. در این جنبش بیش از ۶۰ درصد جمعیت از تحصیلات دانشگاه برخوردار می‌باشند، ۴۷ درصد تمام وقت، ۱۹ درصد نیمه وقت اشتغال دارند، و ۴۶ درصد درآمدی پایین‌تر از ۲۵ هزار دلار در سال دارند (Captain, 2011) که در مقایسه با درآمد سرانه مردم امریکا که ۴۹۴۴۵ دلار می‌باشد (U. S. Census Bureau, 2010) حکایت از آن دارد که فعالان جنبش وال استریت درآمدی معادل نصف سرانه هر امریکایی دارند (شکل ۱).

افریقایی امریکایی‌ها در حالی که ۱۲ درصد جمعیت ایالات متحده را تشکیل می‌دهند تنها ۱ درصد معترضان جنبش اشغال وال استریت را تشکیل داده‌اند (Patton, 2011). این در حالی است که سفید پوستان که ۷۲ درصد جمعیت امریکا را دارند (U. S. Census Bureau, 2010) ۸۱ درصد جمعیت معترضان را به خود اختصاص داده‌اند (Captain, 2011). نرخ بیکاری در میان افریقایی- امریکایی‌ها ۱۵ درصد در مقابل ۷ درصد در میان سفید پوستان می‌باشد. میان سال‌های ۲۰۰۵ خانواده‌های سیاه پوست در مقایسه با خانواده‌های سفید پوست که ۱۶ درصد از ثروت خویش را از دست داده‌اند، ۵۰ درصد از ثروت خویش را از دست داده‌اند (Pew Research Center, 2011). بر اساس این نتایج می‌توان اذعان داشت که در این جنبش اقلیت سیاه پوستان که از نظر وزن دهی به جنبش‌های اعتراضی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند مشارکت چندانی در این جنبش نداشته‌اند و سفید پوستان چهره غالب این اعتراض‌ها را تشکیل می‌دهند. در میان جمعیت سیاه پوست امریکا همواره نگاهی انتقادی به طبقه سفید پوست ثروتمند وجود داشته است و اعتقاد دارند که جریان سرمایه به نفع طبقات بالای جامعه در گردش می‌باشد. چنانکه رنی شورت در سال ۱۹۹۳ نشان داده است همواره جریان سرمایه به نفع سرمایه‌گذاران و صاحبان سود در جریان بوده است و کارگران بهره‌چندانی از آن نمی‌برند (شکل ۲). استیسی پاتون (۲۰۱۱) معتقد است که غیب

سیاه‌پوستان امریکایی پیامی روشن به معترضان وال استریت می‌باشد: «ما به شما گفتیم، هیچ چیز تغییر نمی‌یابد. ما قبلاً اینجا بودیم، امیدی نیست». اشاره پاتون به اعتراض‌های نژادی دهه ۶۰ میلادی به رهبری مارتین لوتر کینگ و مالکوم ایکس است که در نهایت در گذر زمان محو گردید.

شکل ۲- جریان‌های سرمایه



منبع: (John Rennie Short, 1993: 15)

### تجزیه و تحلیل

بر اساس نتایج این تحقیق مشخص گردید که در این جنبش اعتراضی اقلیت‌های نژادی امریکا نقش چندانی را بر عهده نداشته‌اند و این جنبش نمی‌تواند نمایانگر دیدگاه‌های اکثریت جامعه امریکا باشد. بلکه در اصل حرکتی است که هرچند شعارهایی با دایره مضمون گسترده دارد اما متعلق به اقلیتی از جامعه سفید پوست امریکایی دارد. جامعه در دیدگاه‌های کلاسیک در حال تبدیل شدن به توده‌هاست. در حقیقت این تحول، کلید فهم معنای اجتماعی و روان‌شناختی زندگی مدرن در امریکاست (میلز، ۱۳۸۳: ۳۹۳). بدان معنا که در جامعه امروز امریکا دیگر انتظار نمی‌توان داشت که گروه‌های مختلف نژادی و اجتماعی بر گرد یک موضوع خاص بتوانند به اجماع نظر برسند. گسترش سطح تفاوت میان شهروندان در جامعه امریکایی مبین این نکته است که حتی در میان

نژادهای خاص نیز دیگر نمی‌توان به دیدگاه واحدی رسید و نشانه‌های سیاسی و اجتماعی در فرهنگ به مرور به پدیده‌های متفاوت برای توده‌های مختلف اجتماعی تبدیل می‌گردد که از نظر سایر گروه‌ها به طور کامل قابل فهم نیست و یا امکان اشتراک نظر برای آن فراهم نیست. بر این اساس جامعه سپاه پوست که دومین گروه نژادی جمعیت امریکا را تشکیل می‌دهد و عموماً در شمال امریکا که به طور سنتی از حزب دموکرات امریکا پشتیبانی می‌نمایند اقامت دارند، در این جنبش غیب چشمگیری داشته‌اند. با توجه به اینکه پایگاه سنتی جمهوری خواهان امریکا در میان سفید پوستان ثروتمند و بزرگسالان محافظه کار سفید پوست قرار دارد می‌توان ادعا کرد که جنبش اشغال وال استریت متعلق به یک اقلیت از جامعه سفیدپوست امریکایی است.

از نظر سیاسی در مورد این جنبش یکی از بحث‌هایی که مطرح است این است که مردمی که در جناح چپ قرار گرفته‌اند، به‌خصوص جنبش اشغال وال استریت بر روی موضوع نابرابری درآمدها و ثروت تمرکز کرده‌اند. شواهد نشان می‌دهد که هر دو نوع نابرابری به سطوح بالایی رسیده‌است. میزان این رشد نابرابر از سال ۱۹۷۳ تا امروز این رشد بسیار بالاتر از قرن نوزدهم بوده است. در جناح راست، تی پارتی بحث انحراف دولت را مطرح نموده است - نه لزوماً تخلف اخلاقی، اما بی کفایتی - که دولت نمی‌تواند چیزی را درست کند و پول را از بین می‌برد (Thiel, 2012). در قشر بندی اجتماعی، بیشتر از آنکه مالکیت ابزار تولید اهمیت داشته باشد، کنترل این ابزار مهم است. کلید اقتصاد در دست سیاست است (ریویر، ۱۳۸۶: ۱۵۶). تمرکز جنبش اشغال وال استریت بر موضوع درآمدهای جاری در اقتصاد امریکا به یک چالش عمده در مقابل رقیب اصلی این جنبش تی پارتی شده است. نکته‌ای که اینجا مطرح است این که تی پارتی بر خلاف جنبش اشغال وال استریت بیشتر بر آزادی‌های فردی تأکید دارد و حامی سرسخت نظام سرمایه‌داری و شرکت‌های بزرگ است، هم در مجلس نمایندگان، هم در سنا و هم در مجالس ایالتی نمایندگانی را در اختیار دارد که در کنار ثروت حامیان این حزب می‌تواند به مانعی در دستیابی به اهداف جنبش اشغال وال استریت تبدیل گردد. ضمن اینکه حامیان این جنبش که عمدتاً تعلق به حزب دموکرات دارند در عمل برای حضور در عرصه سیاست امریکا نیاز دارند که از سوی لابی‌های مختلف سیاسی و اقتصادی حمایت بگردند و نمی‌توانند در عرصه قانون‌گذاری از برنامه‌های

جنبش اشغال وال استریت حمایت کامل نمایند. چرا که در این صورت با انتقاداتی جدی از سوی رای دهندگانی مواجه می‌شوند که بر اساس برنامه‌های کاندیدها به آن‌ها رای داده‌اند و حتی ممکن است با از دست دادن رای‌های انتخاب کنندگان و کمک‌های مالی مواجه شوند و کرسی نمایندگی خویش را از مجالس قانون گذاری از دست بدهند.

در حوزه اقتصادی درخواست‌های این جنبش با چالش‌هایی بزرگتر روبه‌رو است که می‌تواند نتایجی به بار بیاورد که بر خلاف خواسته‌های ابتدایی آنان است. جهانی شدن موجب انعطاف‌پذیری بیشتر منحنی تقاضا برای نیروی کار (وضعیت هموارتر در منحنی‌های عرضه و تقاضای مرسوم) شده است. به دلیل رقابت جهانی نمی‌توان مالیات‌های پرداختی بالاتر بابت حقوق را مثل سابق به شکل افزایش قیمت به مصرف کنندگان منتقل کرد. اگر مالیات بر حقوق افزایش پیدا کند یا باید دستمزدهای نقدی کاهش داده شوند یا مشاغل از بین می‌روند. یا شرکت‌های موجود به خارج از کشور منتقل می‌شوند یا شرکت‌های خارجی سهم بازار محلی را به دست می‌آورند. در نتیجه با استفاده از نظام وصول مالیات فعلی، دریافت مالیات اضافی لازم برای تامین مالی مزایای رفاه اجتماعی دائما در حال رشد بیش از پیش دشوارتر می‌شود (تارو، ۱۳۸۶: ۱۲۲). انتقال روزافزون بسیاری از کارخانه‌های امریکایی به خارج از کشور گواهی بر آن است که علیرغم تسهیلاتی که به شرکت‌های بزرگ امریکایی داده شده است، آنان حاضرند برای کسب سود بیشتر به خارج از کشور امریکا نقل مکان کنند. به عنوان مثال شرکت اپل که همگان به عنوان یک برند امریکایی آن را می‌شناسند و بازار تبلت و آی‌پادهای امریکا را در اختیار دارد بخش اعظم محصولات خویش را در چین تولید می‌کند و بیش از یک میلیون نفر در شرکت چینی فاکسکون به مونتاژ محصولات این برند امریکایی مشغول هستند.

حال این پرسش مطرح می‌گردد که آیا با وضع قوانین سیاسی و اقتصادی جدید در اقتصاد و سیاست امریکا آیا فعالان این جنبش به خواسته‌های خویش می‌رسند؟ جریان سیال سرمایه در نظام اقتصادی حاکم بر امریکا و روح لیبرال دموکراسی که حاکم بر جامعه امریکایی است هر چند این اجازه را به بخشی از جامعه امریکایی داده است که در سایه آزادی‌هایی که وجود دارد به انتقاد و مقابله با وضعیت موجود

بپردازد، اما همچنان در مقابل دستیابی جنبش اشغال وال استریت به اهداف مورد نظر همانند یک سد پا برجاست. چراکه در آن صورت جریان دوسویه‌ای از سرمایه که در اقتصاد امریکا جاری است دچار تغییر می‌گردد و ممکن است بخشی عظیم از سرمایه‌هایی که در امریکا وجود دارد در جست‌وجوی مکان‌های جغرافیایی بهتر برای سرمایه‌گذاری خارج شود و شهروندان امریکایی را با چالشی جدید مواجه نماید. گروهی از منتقدان در مقابل وضعیتی که اقتصاد سیاسی امریکا با آن مواجه است خواستار آن هستند که به اجتماع رسیدگی شود و به حل مشکلات جاری در جامعه امریکایی در سطح اجتماع و جامعه بپردازند. چنانکه فرانسویس فوکویاما در شماره مارس ۲۰۱۲ *منافع امریکا* ابراز می‌دارد که: مسئله این نیست که مردم تنبل هستند یا اینکه مردم طبقه کارگر اخلاق کار را ندارند. آنها احساس میکنند که به وسیله پیشرفت فن‌آوری و جهانی شدن شدن قربانی شده‌اند. نظر [اقتصاددانان] کلاسیک این است که دولت از آنها محافظت می‌کند. از نظر کارل پولانی<sup>۱</sup> این نیروها نمی‌تواند شکسته شود یا وادار به عقب نشینی بگردد، اما در اینجا نیاز است که مقداری تعدیل و تنظیمات اجتماعی صورت پذیرد، زیرا جامعه در تنظیم خود نسبت به تغییر اساسی فن‌آوری و الگوهای تجارت از سرعت کمتری برخوردار بوده است (Fukuyama, 2012).

## دستاورد

بر اساس نتایج به دست آمده در این تحقیق و همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات موجود در این پژوهش جنبش اشغال وال استریت را می‌توان در ردیف آن رده از حرکت‌های اعتراضی جای داد که در چهارچوب نظام‌های حاکم بر کشورها به فعالیت می‌پردازند. ویژگی‌های این جنبش اعتراضی که بر رویکرد عدم توسل به خشونت و تخریب در فضاها و جغرافیایی و سطح جامعه و تکیه بر قوانین برای ابراز حق انتقاد و مخالفت با نظام سیاسی و اقتصادی حاکم در جامعه امریکا استوار است مبین این امر می‌باشد که فعالان این جنبش درصدد رویارویی کامل با ساختارهای موجود بر امریکا نیستند. اهداف و برنامه‌هایی که از سوی این جنبش اعلام گردیده است نشان می‌دهد که آنان بر آن می‌باشند که با استفاده از قانون و اصلاح قوانینی که به

1. Karl Polany

باور آنان ناقض حقوق جامعه امریکایی می‌باشد به ایجاد اصلاحات ساختاری در اقتصاد سیاسی امریکا پردازند.

از آنجا که در منطق جغرافیای سیاسی وقوع انقلاب در یک کشور نیازمند گسترده در ساختارها، نهادها، کارکردها و همچنین عناصر سیستم اقتصادی- سیاسی یک کشور حاکم است می‌توان بیان داشت که اهداف جنبش اشغال وال استریت متضمن وقوع انقلاب در جامعه امریکا نیستند. بنابراین حتی در صورت موفقیت نسبی این جنبش نمی‌توان انتظار تغییرهایی گسترده در روابط و سطوح جامعه، اقتصاد و سیاست امریکا را داشت و تنها می‌توان جنبش اشغال وال استریت را حرکتی اعتراضی دانست که برپایه حفظ نظام لیبرال دموکراسی در جامعه امریکایی در پی ایجاد اصلاحات کارکردی در قوانین، اقتصاد و سیاست امریکا می‌باشد. ❖

## References:

Captain, Sean. (2011). *Infographic: Who Is Occupy Wall Street?*. In access at: <http://www.fastcompany.com/1792056/occupy-wall-street-demographics-infographic>, date of visiting the site: March 28, 2012.

Dobnik, Verena. (2011). *Wall Street protesters: We're in for the long haul*. Businessweek. In access at: <http://www.businessweek.com/ap/financialnews/D9Q4CNR81.htm>, date of visiting the site, March 15, 2012.

Fukuyama, Francis. (2012). *A Conversation with Peter Thiel Francis Fukuyama talks with the renowned entrepreneur*. The American Interest, From the March/April 2012 issue. In access at: <http://www.the-american-interest.com/article.cfm?piece=1187>, date of visiting the site: April 2, 2012.

Gidens, Anthony (1386), *Jameeh-shenasi*, Translation in Persian by Manuchehr Saburi, Nashr-e Ney Publication, 19th edition, Tehran.

Halimi, Sargheh (June 2011), *SharmazArezuyeMahalNakonid, AnoonBedanMohtajim*, (translation in Persian), Le monde Diplomatic.

<http://en.wikipedia.org/wiki/Reform> date of visiting the site: March 25, 2012.

<http://occupywallst.org/about/> date of visiting the site: March 20, 2012.

<http://www.naomiklein.org/main/> date of visiting the site: March 1, 2012.

<http://www.nycga.net/resources/principles-of-solidarity/>, date of visiting the site: March 2, 2012.

<http://www.occupythegame.com/demands-occupy-wall-street/> date of visiting the site: February 2, 2012.

<http://www.the99declaration.org/> date of visiting the site: March 2, 2012.

[http://en.wikipedia.org/wiki/Revolution?utm\\_source=mandiner&utm\\_medium=link&utm\\_campaign=m](http://en.wikipedia.org/wiki/Revolution?utm_source=mandiner&utm_medium=link&utm_campaign=m)

andiner\_201202#cite\_ref-3 ,date of visiting the site: March 29, 2012.

Loosen, Dablyu Pie (1380), *Bohran-ha va Tavali-ha Dar Toseeh=e Syasi*, Translation into Persian by GholamrezaSarvari, Pajoheshkadeh-e Motaleat-e Estrategic, First Publication, Tehran.

Ludteke, Lutrass (1385), *SakhtehShodan,eEmrica: Jame-eh va Farhang-e Iyalat-e Motaheddeh*; Translation in Persian by SharamTorabi, Daftar-e Motaleat-e Siasi va Beinol-Melali, 2nd edition, Tehran.

Mils, Charlestite (1383), *Nokhbegan-e Ghdrat*, Translation into Persian by Bonyad-e Farhang Pajouhi-e GharbShenasi, Entesharat Farhang Maktub, 1st edition, Tehran.

Nolan, Patrik& Gerhard Lenski (1386), *Jameh-hay-e Ensani*, Translation in Persian by NserMovafaghian, Nashr-e Ney, 3rd edition, Tehran.

Oxford (2002). *Oxford Advanced Learner's Dictionary*. Edited by: Wehmeier,Sally. Sixth edition. OxfordUniversity Press. Oxford

Patton,Stacey. (2011). *Why African Americans aren't embracing Occupy Wall Street*. The Washington Post,2011/11/16. In access at: [http://www.washingtonpost.com/opinions/why-blacks-arent-embracing-occupy-wall-street/2011/11/16/gIQAwc3FwN\\_story.html](http://www.washingtonpost.com/opinions/why-blacks-arent-embracing-occupy-wall-street/2011/11/16/gIQAwc3FwN_story.html),date of visiting the site: February 21, 2012.

Pew Research Cente. (2011). *Wealth gaps rise to record between whites, blacks and hispanics*. <http://www.pewsocialtrends.org/2011/07/26/wealth-gaps-rise-to-record-between-whites-blacks-hispanics/>. Date of visiting the site: February 25, 2012.

Rennie Short, John. (1993). *An Introduction to Political Geography*. Second edition. Routledge. London

River, Clode (1386), *Ensanshenasy-e Syaisi*, Translation by Naser Fakuhi, Nashre Ney, 3rd Edition, Tehran.

Selinger, Evan and Seager, Thomas. (2011). *Why Occupy Wall Street Is So Hard to Understand?*. The Atlantic. In access at: <http://www.theatlantic.com/technology/archive/2011/12/why-occupy-wall-street-is-so-hard-to->

understand/249347/date of visiting the site: March 23, 2012.

Taro, Lester (1386) , *Barandegan va Bazandegan Jahani Shodan, Translated* into Persian by Masoud Karbasian, Published by Sherkat Entesharat Elmi va Farhangi, Tehran, 2nd edition.

Thiel, Peter. (2012). *A Conversation with Peter Thiel Francis Fukuyama talks with the renowned entrepreneur*. The American Interest , From the March/April 2012 issue. In access at: <http://www.the-american-interest.com/article.cfm?piece=1187> ,date of visiting the site: April 3, 2012.

U. S. Census. (2011). "Income, Poverty, and Health Insurance Coverage in the United States: 2010" U. S. Census. U. S. Census Bureau. 2010-09-14. <http://www.census.gov/prod/2011pubs/p60-239.pdf>. Retrieved 2011-09-16 ,date of visiting the site: March 27, 2012.

Warde, Ibrahim. (2011). In access at: <http://ir.mondediplo.com/article1730.html> ,date of visiting the site: March 1, 2012.

Zakaria, Farid (1384) , *Ayandeh-e Azadi, Olaviyat-e Libralism bar Democracy*, Translation by Norouzi, Amir Hussein, Published by Tarh-e Noe, 1st Publication, Tehran